روش‌شناسی تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی فرکلاف در مطالعات سازمانی و رویدادی هنر

میثم یزدی، دکتری پژوهش هنر
mayyazdi@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۱۶
تاریخ پذیرش مقاله: ۹۷/۱۲/۰۷

پژوهش گفتمانی بر روی نهادها و سازمان‌های هنری با تمرکز بر رویدادهای این مراکز، نیازمند روشی بینارشته‌ای و در عین حال مبتنی بر نظریه و رویکردی مشخص است تا از طریق آن بتوان فرایندها و ساختارهای مبتنی بر قدرت و ایدئولوژی حاکم را روشن کرد. نوشتار حاضر با مسئله و چالش چگونگی بهره‌مندی از روش تحلیل گفتمان انتقادی با تمرکز بر سازمان‌ها و رویدادها، پس از بررسی مبانی روش‌شناختی تحلیل گفتمان سازمانی، بر نظریهٔ فرکلاف متمرکز می‌شود و فرایند گردآوری داده‌ها و روش تجزیه و تحلیل یافته‌ها را برمبنای نمونهٔ سازمان‌ها و رویدادهای هنر معاصر ایران تبیین می‌کند. این پژوهش نشان می‌دهد که بر مبنای ساختار سه‌گانهٔ تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف که هماهنگ با مدل روی باسکار است، با بهره‌گیری از شاخص‌ها و فرایند تحلیل گفتمان سازمانی فرکلاف، می‌توان با استناد به داده‌های آرشیوی همچون اساس‌نامه‌ها، آیین‌نامه‌ها، فراخوان‌ها و سپس تحلیل بینامتنی و بیناگفتمانی از کردارهای گفتمانی سازمان‌ها و رویدادهای هنری، شاخص‌ها و ناسازه‌های هژمونیک‌سازی یک گفتمان را در حوزهٔ فرهنگ و هنر مشخص کرد.

واژگان کلیدی:
روش‌شناسی، تحلیل گفتمان انتقادی، فرکلاف، نهادها و سازمان‌ها، رویدادهای هنری، هنر معاصر.

[Downloaded from mail.pazhoueshnameh.ir on 2026-11-18]

مقدمه

روش‌شناسی در حوزهٔ پژوهش‌های آکادمیک و حرفه‌ای یکی از مهم‌ترین شاخص‌های روایی و معتبر بودن این دسته از تحقیقات است. پژوهش آکادمیک تلاشی است بر اساس نظریه و رویکرد مشخصی که از روش‌ها و تکنیک‌های خاصی برای بازنمایی و قابل درک کردن واقعیت یا ابعادی از آن بهره می‌گیرد. این گونه از پژوهش‌ها هر روز بیشتر به سمت فضای بین‌رشته‌ای می‌روند و رویکردهای جدید هم به دنبال علت و هم به دنبال معنا در تحلیل‌های خود هستند. مطالعات میان‌رشته‌ای رویکردی است که پس از آشکار شدن ضعف‌ها و کاستی‌های تخصصی شدن و شعبه‌شعبه شدن علم به رشته‌های ریز ضرورت یافته است. روند مسلط در قرن بیستم رشد تخصصی؛ یعنی رشد و توسعه رویکرد تک‌رشته‌ای بوده، اما در دهه‌های اخیر توجه به رویکرد میان‌رشته‌ای قوّت بیشتری یافته است. همگام با پیچیده‌تر شدن دنیا و روابط انسانی، حل مسائل علمی و پژوهشی، روش‌ها و رویکردهای متعددی را فرامی‌خوانند. به عبارتی دیگر، حل مسائل علمی و پژوهشی رشته‌های مرتبط به هم، مطالعات «میان‌رشته‌ای»[1] را ایجاب می‌کند.

اصطلاح میان‌رشته‌ای را اولین بار در دههٔ ۱۹۲۰میلادی اعضای «شورای پژوهش در علوم اجتماعی»[2] به کار بردند تا بین رشته‌های علمی مختلف که به واسطه تخصصی شدن، در حال گسستگی روزافزون بودند تلفیق ایجاد شود. مطالعات میان‌رشته‌ای فرایند پاسخ دادن به سؤال، حل مسئله یا پرداختن به موضوعی پیچیده و گسترده است که نمی‌توان به قدر کفایت با یک رشته یا حرفهٔ دانشگاهی به آن پرداخت. از آنجایی که بیشتر مسائل مهم دلایل چندگانه‌ای دارند، مطالعات میان‌رشته‌ای دامنه‌ای از چشم‌اندازها را برای درک جامع‌تر مسائل و چالش‌ها فراهم می‌کند (Klein & Newell, 1997: 3).

یکی از روش‌های بین‌رشته‌ای پژوهش در علوم انسانی و هنر تحلیل گفتمان است که ریشه در جنبش انتقادی ادبیات، زبان‌شناسی (نشانه‌شناسی)، تأویل‌گرایی، هرمنوتیک گادامر و تبارشناسی و دیرینه‌شناسی میشل فوکو دارد. در تحلیل گفتمان مجموعهٔ اوضاع اجتماعی، زمینهٔ وقوع متن یا نوشتار، گفتار، ارتباطات غیرکلامی و رابطهٔ ساختار و واژه‌ها در گزاره‌ای کلی نگریسته می‌شود. در سطح بالادستی بسترهای فکری شکل‌دهنده به مفاهیم گفتمان همچون پسامدرنیسم، ساختار و پساساختارگرایی و همچنین رویکردهای پسامارکسیستی مطرح است. در این نوشتار به علت اهمیت فوکو به طور مجزا گفتمان در نزد او تشریح می‌شود و دیگر حوزه‌های بالادستی در بستر مباحث میان‌دستی گفتمان نزد فرکلاف که رویکرد نظری این پژوهش بر پایهٔ نظریات آنها استوار است شرح داده خواهد شد. پیش از آن نگاهی به مبانی، تعاریف کلیدی و سیر تاریخی گفتمان خواهیم انداخت.

1. Interdisciplinary Studies
2. Social Sciences Research Council

[Downloaded from mail.pazhoheshnameh.ir on 2026-11-18]

تحلیل گفتمان

گفتمان[3] که سابقهٔ آن در برخی منابع به قرن ۱۴ میلادی می‌رسد از واژهٔ فرانسوی dis-koor/discourse و لاتین discurs-us به معنی گفت‌وگو و محاوره، گفتار و از واژهٔ discursum /discuren به معنی طفره رفتن، از سر باز کردن و تعلل ورزیدن گرفته شده است (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۳۷).

فرهنگ انگلیسی آکسفورد، ذیل مدخل گفتمان، تعاریف کاربردی متعددی را ارائه داده است که با توجه به موضوع مورد بررسی، ما تعریف زیر را انتخاب می‌کنیم: «شرح و تفسیر گفتاری (شفاهی) یا نوشتاری (کتبی) یک موضوع، پرداختن به موضوعی به صورت شفاهی یا کتبی که طی آن موضوع مذکور به طور مفصل مورد بررسی قرار می‌گیرد» (مکدانل، ۱۳۸۰: ۱۰-۱۳). ریشهٔ مفهوم discourse را می‌توان در فعل یونانی dis– currer به معنی حرکت سریع در جهات مختلف، دویدن یا سریع حرکت کردن، یافت (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۶).

تعاریف گفتمان را می‌توان به دو دسته تقسیم کرد: تعاریف متن‌محور که گفتمان را نوعی متن (گفتاری یا نوشتاری) می‌دانند. اکثر تعاریف از جمله تعریف کریس بالدیک، الریک مینهوف، راجر فاولر، میخاییل باختین و غیره از این سنخ هستند. تعاریف نظری و اندیشه‌محور هم تعاریفی همانند تعریف میشل فوکو، لاکلاو و موف، و یورگنسن و فیلیپس هستند که گفتمان را یک نظام معنایی می‌دانند.

3. discourse

تعاریف دستهٔ اول در زبان‌شناسی و دستهٔ دوم در جامعه‌شناسی رایج هستند (قجری، ۱۳۸۷: ۱۳). در حقیقت گفتمان شکلی از عمل اجتماعی است که منطق بین رویدادهای خاص و استدلالی را با موقعیت‌ها، نهادها و ساختارهای اجتماعی، که چهارچوب آن رویداد استدلالی است شکل می‌دهد. گفتمان اجتماعی است و همچنین مجموعه‌ای اجتماعی به منزلهٔ شرایط، اشیا، دانش، هویت فردی- اجتماعی و روابط میان مردم است (سرایی، فتحی و زارع ۱۳۸۷: ۸۶). منظور از گفتمان این است که زبان در چهارچوب قالب‌هایی ساختاربندی شده و مردم به هنگام مشارکت در حوزه‌های مختلف حیات اجتماعی در گفتار خود از این قالب‌ها تبعیت می‌کنند. گفتمان شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن دربارهٔ جهان و فهم آن (یا فهم یکی از وجوه آن) (Laclau and Moffe, 1985) است. گفتمان‌ها باید تا حدی تثبیت‌شده باشند چون در غیر این صورت، فراوانی معنا هرگونه معناداری را غیرممکن خواهد ساخت: «گفتمانی که قادر نباشد معنا را تثبیت کند، گفتمان روان‌پریش است» (Carpentier and Spinoy, 2008: 3). یورگنسن و فیلیپس گفتمان را از دو منظر بیان و فهم تبیین می‌کنند و معتقدند: «گفتمان عبارت از شیوهٔ خاصی از صحبت کردن دربارهٔ جهان (یا دربارهٔ بخشی از جهان) و فهم آن است» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱). گفتمان‌ها مجموعه‌ای از کدها، اشیا و افراد هستند که پیرامون یک نقطهٔ کانونی تثبیت شده‌اند و هویت خویش را در برابر مجموعه‌ای از دیگری‌ها به‌دست می‌آورند. معنا و مفهوم انسان از واقعیت گفتمانی است (مریدی و تقی‌زادگان، ۱۳۹۱: ۱۳۹).

[Downloaded from mail.pazhoueshnameh.ir on 2026-11-18]

میشــل فوکو گفتمان را گاهی حیطهٔ کلــی همهٔ گزاره‌ها یا احکام تلقی کرده‌اســت، گاهی به عنوان مجموعهٔ قابل تمایــزی ازاحــکام، و گاهی بــه مثابهٔ رویــهٔ ضابطه‌مندی که شــماری از احکام را توضیح می‌دهــد. به زعم فوکو گفتمان‌هــا موقعیــت افــراد در نهادها را شــکل می‌دهند و از ایــن مســیر اجــازهٔ حضور، بیان شــدن یا مســکوت مانــدن را بــه ســوژه‌ها و ابژه‌هــا می‌دهنــد (ســارا میلز، ۱۳۸۸). واژهٔ گفتمــان در فارســی را اولین‌بــار، داریوش آشــوری در یکــی از مقاله‌هــای خــود تحــت عنــوان «نظریــهٔ غربزدگــی و بحران تفکــر در ایران» بــه‌کار برد (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۶).

کاربردهای تحلیل گفتمان

تحلیــل گفتمان توان بررســی چــه موضوعــات، پدیده‌ها و یــا ابعــادی را دارد؟ همچنین برای بررســی چه موضوعات و پدیده‌هایی مناســب یا مناســب‌تر از سایر روش‌هاست؟ و به طــور عام موضوعــات مورد علاقهٔ ایــن روش برای بررسی، چه موضوعاتی هستند؟ از آنجا که تحلیل گفتمان ریشــه در معناکاوی دارد و قصد آن کشــف معنای نهفته در پدیده‌هــای اجتماعی اســت، می‌توان گفت که تحلیل گفتمان برای هرآنچه معنا دارد و قصد ما کشف معنای آن باشد مناســب است و ما می‌توانیم با استعانت از این روش تلفیقی و بین‌رشــته‌ای به معنای آنها بهتر از ســایر روش‌ها دست یابیم.

بــه نظر ون دایــک تحلیل‌گران گفتمــان انتقادی به جای اینکــه صرفاً توجــه خود را به رشــتهٔ خــود و نظریه‌ها و الگوهــای آن معطــوف کنند به مســائل مهــم اجتماعی توجه می‌کنند، یعنی کار آنها بیشــتر مســئله‌محور اســت تــا نظریه‌محور. تحلیل‌گران گفتمان ســعی در فهم و نقد عمیق‌تر نابرابری اجتماعــی، از جمله نابرابری‌های دارای مبنــای جنســیتی، قومی، طبقاتی، نســبی، مذهبی، زبانی، گرایش‌های جنســی و... دارند. به نظــر ون‌دایک، هدف نهایی تحلیل‌گران، گفتمان سیاسی و اجتماعی است؛ آنها خواهان تغییر هستند (ون دایک، ۱۳۸۲: ۵۴).

ون دایــک معتقد اســت، برخی از مســائلی کــه محققان تحلیل گفتمان مطرح می‌کنند عبارت‌اند از:

- آنچه که دانش را می‌سازد؛
- شــیوه‌ای که گفتمان‌ها توسط نهادهای اجتماعی ساخته می‌شوند و آنها را می‌سازند؛
- چگونگی کارکرد ایدئولوژی‌ها در نهادهای اجتماعی؛
- چگونگی دستیابی مردم در جامعه به قدرت و حفظ آن (Wodak, 2001b).

به نظر میشــل می‌یر، ماهیت مســائلی کــه تحلیل گفتمان علاقه‌منــد بــه آنها اســت از روش‌های تحقیــق دیگر که فارغ از ارزش هستند متفاوت است. روش تحلیل گفتمان نقش مبارزه با تبعیض را به عهده می‌گیرد. تحلیل گفتمان رهیافتــی انتقادی به مســائل مختلف اجتماعــی دارد و از این‌رو می‌کوشــد تا روابط پنهان قدرت را آشــکار سازد (Mayer, 2001).

[Downloaded from mail.pazhoueshnameh.ir on 2026-11-18]

دیوید هوارث و یانیس استاوراکاکیس[4] مسائل کلیدی مورد بررسی توسط تحلیل گفتمان را از این قرار می‌دانند: بررسی ایدئولوژی‌های ملی‌گرایانه و پوپولیستی، ساخت سیاسی هویت‌های اجتماعی، انواع درگیری‌های هژمونیک، منطق کنش جمعی، شکل‌گیری و اجرای سیاست عمومی، ایجاد و از بین بردن نهادهای سیاسی، نظم نوین‌جهانی، رشد سریع قوم‌گرایی رادیکال، ظهور جنبش‌های جدید اجتماعی، اسطوره‌های سیاسی، مهاجرت‌های دسته‌جمعی، شکل‌گیری ایدئولوژی‌ها و... (Howarth,1998: 3).

تحلیل گفتمان انتقادی

رویکرد انتقادی در مطالعات گفتمانی ریشه در زبان‌شناسی انتقادی دارد. اواخر دهۀ ۱۹۷۹، گروهی از زبان‌شناسان پیرو مکتب نقش‌گرای هالیدی[5] یعنی فاولر[6]، هاج[7]، کرس[8] و ترو[9] در دانشگاه ایست انگلیا، با انتشار کتاب *زبان و کنترل* (۱۹۷۹) نگرش انتقادی به زبان را پایه‌گذاری کردند. آنها نام این رویکرد را «زبان‌شناسی انتقادی» نهادند. هدف این رویکرد آشکار کردن روابط پنهان قدرت و فرایندهای ایدئولوژیکی موجود در متون زبانی بود.

4. David Howarth and Yannis Stavrakakis
5. Halliday
6. Fowler
7. Hodge
8. Kress
9. Trew

مفهوم انتقادی

برداشت‌های متفاوتی نسبت به مفهوم «نقد» در این نگرش وجود دارد. عده‌ای به مکتب فرانکفورت، عده‌ای به نقد ادبی و عده‌ای نیز به مارکس روی آورده‌اند. تحلیل گفتمان انتقادی، به این معنا انتقادی است که قصد دارد نقش کردارهای گفتمانی در حفظ و بقای جهان اجتماعی از جمله، آن دسته از روابط اجتماعی را که توأم با مناسباتِ قدرتِ نابرابرند، آشکار کند. فرکلاف در کتاب *زبان و قدرت*[10] (۱۹۹۶) دو هدف اصلی انتقاد در تحلیل گفتمان را این‌گونه بیان می‌کند:

- کمک به تصحیح کم‌توجهی گسترده نسبت به اهمیت زبان در تولید، حفظ و تغییر روابط اجتماعی قدرت.
- کمک به افزایش هشیاری نسبت به اینکه چگونه زبان در حاکم شدن بعضی بر بعض دیگر نقش دارد؛ زیرا که هشیاری اولین قدم به سوی رهایی است. تحقیق زمانی مفید فایده است که بتواند به کاهش نابرابری‌های اجتماعی کمک کند (Fairclough,1989: 2).

در واقع، تحلیل‌گران گفتمان می‌کوشند نظام‌های معنایی حاکم را متزلزل کنند. یکی از دلایل استحکام نظام‌های معنایی، این است که بسیاری از فهم‌های ما از جهان طبیعی شده‌اند؛ یعنی به آنها نه به‌مثابۀ برداشت‌هایی از جهان، بلکه به‌مثابۀ خود جهان نگریسته می‌شود. در نتیجه، یکی از اهداف عمدۀ تحلیل گفتمان، تشریح فهم‌های بدیهی‌انگاشته و تبدیل آنها به موضوع بحث و نقد و

10. *Language and Power*

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

سرانجام، آماده کردن آنها برای تغییر است. فرکلاف در این‌باره می‌گوید: «اختیار کردن اهداف انتقادی، به معنی این است که در جهت روشن کردن این‌گونه طبیعی‌شدگی‌ها بکوشیم و به بیان کلی‌تر، به معنی این است که تعین‌ها و تأثیرات اجتماعی گفتمان را که ماهیتاً از دید مشارکت‌کنندگان آن مخفی می‌مانند، آشکار سازیم» (فرکلاف، ۱۳۹۰: ۲۷).

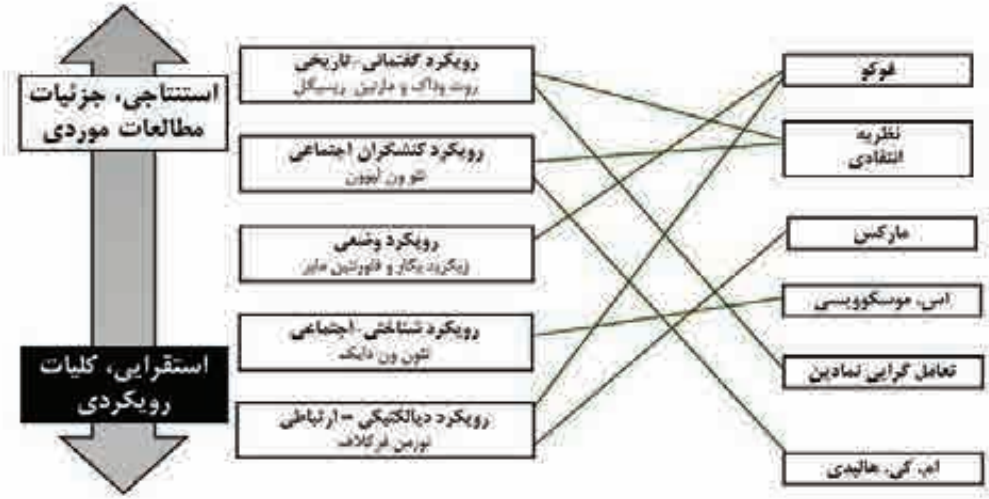
بنابراین، فرکلاف می‌خواهد نشان دهد که سامان‌دهی کنش‌های متقابل تا حدی به چنین ایدئولوژی‌های طبیعی‌شده‌ای بستگی دارد، و هدف تحلیل گفتمان انتقادی، غیرطبیعی کردن این نوع ایدئولوژی‌هاست. برای مقابله با طبیعی‌سازی باید نشان داد که چگونه ساختارهای اجتماعی، ویژگی‌های گفتمان را رقم می‌زنند و چگونه گفتمان، به نوبه خود، ساختارهای اجتماعی را معین می‌سازد.

گونه‌شناسی تحلیل‌های گفتمان انتقادی

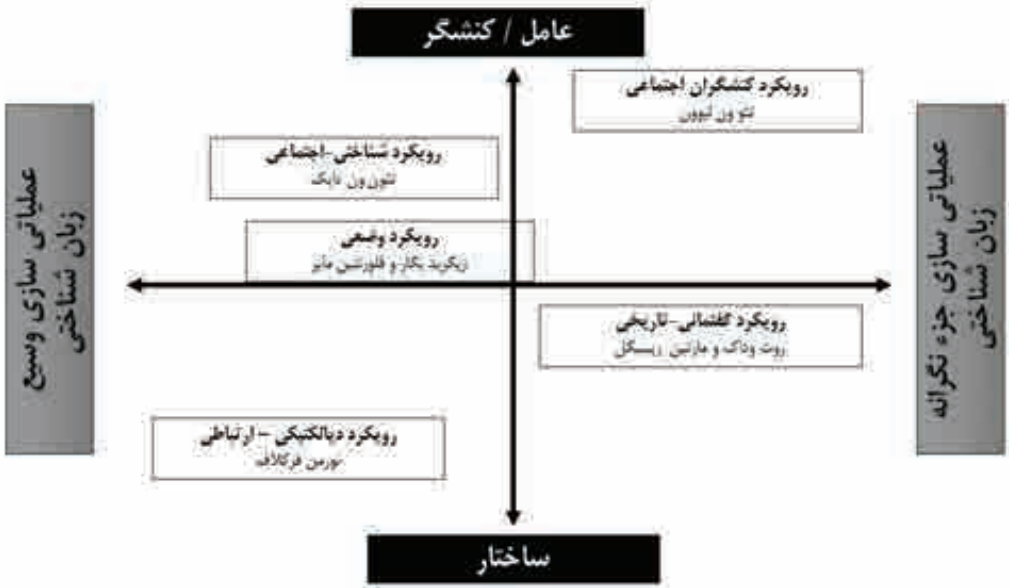
در کل می‌توان پنج گونه از تحلیل‌های گفتمان انتقادی را از هم تفکیک و متمایز کرد. این گونه‌های مطالعاتی بسته به اینکه متأثر از نظرات کدام اندیشمند پیش از خود بوده، استنتاجی و یا استقرایی بودن شیوهٔ ارائه مباحث و همچنین میزان تمرکز بکلیات و یا جزئیات از هم متمایز می‌شوند. به عنوان مثال رویکرد گفتمانی و تاریخی وداک و ریسیگل تحت تأثیر مبانی نظری نظریهٔ انتقادی و تعامل‌گرایی نمادین است. این رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی در تحلیل داده‌های خود استنتاجی عمل می‌کند و علاقه‌مند به مطالعات موردی است. این در حالی است که رویکرد دیالکتیکی ارتباطی فرکلاف که متأثر از نظرات مارکس و فوکو است تحلیل‌های خود را استقرایی انجام می‌دهد و متمرکز بر ساختارهای کلی اجتماعی است. در نمودار یک، سطح جزئی- کلی بودن رویکردها و مهم‌ترین چهره‌های تأثیرگذار بر گونه‌های پنج‌گانهٔ تحلیل گفتمان انتقادی را می‌توانید مشاهده کنید (Wodak and Mayer, 2001a: 18).

علاوه بر این بسته به میزان تمرکز پژوهش بر کنشگر/ عامل، و یا ساختار و همچنین عملیاتی‌سازی وسیع زبان‌شناختی یا جزءنگرانه، پنج گونه تحلیل گفتمان انتقادی از هم متمایز می‌شوند. به عنوان مثال رویکرد فرکلاف متمرکز بر ساختارها و کردارهای اجتماعی است و از آن رو که نگاهی وسیع و گسترده به عملیاتی‌سازی زبان‌شناختی دارد از رویکرد شناختی ون دایک که متمرکز بر عامل/ کنشگر است متمایز می‌شود. نمودار دو، پراکندگی رویکردهای پنجگانهٔ تحلیل گفتمان انتقادی را بر مبنای شاخص‌های ذکرشده نشان می‌دهد (Ibid: 20).

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]



نمودار ۱. رویکردها و گونه‌های تحلیل گفتمان انتقادی (منبع: Wodak and Mayer, 2105)



نمودار ۲. جانمایی گونه‌های تحلیل گفتمان انتقادی در فضای برداری ساختار/کنشگر و عملیاتی‌سازی وسیع/جزءنگرانه
(منبع: Wodak and Mayer, 2105)

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

گفتمان و نهاد/ سازمان

تاکنون تعاریف متعدد و گوناگونی از نهاد و سازمان ارائه شده‌اند. اما آنچه با مبانی این پژوهش همسو است تعاریفی برگرفته از نهادها و سازمان‌ها بر مبنای روابط مبتنی بر قدرت، هویت و روابط بیناگفتمانی آنهاست. این نگاه به نهادها منجر به تعاریفی می‌شود همچون تعریف مامبی و کِل ایر مبنی بر اینکه نهادها «سایت‌ها (مکان‌های) تقلای گروه‌های مختلف برای صورت‌بخشی به واقعیت اجتماعی هستند... به گونه‌ای که تمایلات آنها را برآورده سازند» (Mumby and Clair, 1997: 182, in Mayr, 2008: 5). در تحلیل گفتمان نهادها می‌توان از چهار منظر تفسیری (تأویلی)، کارکردی، انتقادی و ساختاری به مسئله ورود پیدا کرد. هراکلیوس معتقد است پیشینهٔ بهره‌گیری از نظریه‌های گفتمانی در علوم اجتماعی و تحلیل نهادها و سازمان‌ها (مبتنی بر نظریهٔ سازمان‌ها) به اواخر دههٔ ۱۹۷۰ بازمی‌گردد. در این دوره اهمیت بهره‌گیری از مفاهیم بافت‌شناسی در تحلیل گفتمان قوت می‌گیرد و رویکردهای فوق‌الذکر در تحلیل گفتمان نهادها بروز می‌یابند. رویکرد تأویلی گفتمان را به مثابهٔ کنش‌های ارتباطی مفصل‌بندی می‌کند؛ کنش‌هایی که برسازندهٔ واقعیت‌های سازمانی هستند. رویکرد کارکردی گفتمان را به مثابهٔ ابزاری برای تسهیل بررسی و ارزیابی فرایندهای مرتبط با مدیریت سازمانی همچون تحلیل مدیریت بهینه، بررسی انگیزش کارکنان، و تغییرات سازمانی به کار می‌برد. رویکردهای انتقادی روابط مبتنی بر قدرت دانش را در سازمان‌ها بررسی می‌کنند؛ روابطی همچون هویت سوژه‌ها، اقتدار و سلطهٔ ساختارهای سازمانی و اجتماعی و سامانه‌های (سیستم‌های) قدرت در سازمان‌ها. نهایتاً رویکرد ساختاری به تحلیل و بررسی گفتمان سازمانی به مثابهٔ کنش‌های ارتباطی و ساختارهای درهم‌تنیده و عمیق سازمانی می‌پردازد (Heracleous, 2006: 2-3).

در فصل چهارم کتاب *گفتمان، تفسیر، سازمان* هراکلیوس به بررسی رویکرد انتقادی بر مبنای نظریهٔ گفتمانی فوکو و بسط تحلیل انتقادی گفتمان فرکلاف و ون دایک می‌پردازد. نویسندهٔ کتاب مدعی است رویکرد انتقادی در تحلیل گفتمان سازمان‌ها می‌تواند از مفاهیم باستان‌شناسی فوکویی در تحلیل گفتمان کنش‌های تاریخی- سازمانی و از مفاهیم تبارشناسی فوکویی در تحلیل نظام‌های تولید حقیقت در سطوح معنایی و سوژگی سازمان‌ها بهره برد (Ibid: 101).

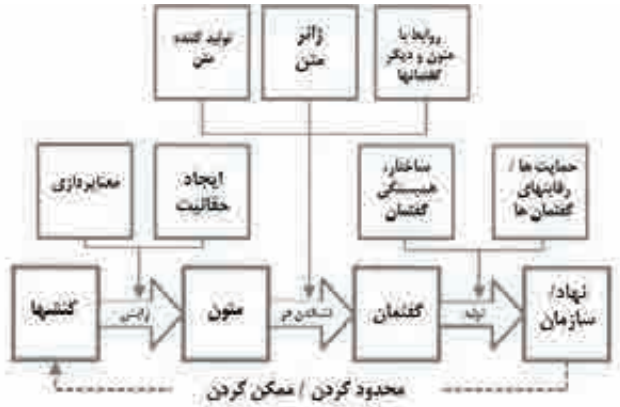
نیومن و بنز نیز معتقدند به طور کلی می‌توان چهار پارادایم را در مطالعات سازمانی از هم تفکیک کرد: پوزیتیویسم، واقع‌گرایی انتقادی، تفسیری و انتقادی. تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی فرکلاف بر مبنای رویکردهای رئالیسم انتقادی و انتقادی پایه‌گذاری شده است. هردو رویکرد به بحث تغییر اجتماعی بر مبنای فرآیندهای تغییری که سازمان‌ها و نهادها پایه‌گذاری می‌کنند، معتقدند. از این منظر رئالیسم انتقادی به دنبال شناخت ماهیت اشیا و تعامل تغییرپذیر بین آنهاست. رویکرد انتقادی نیز در پی آسیب‌شناسی سازمانی جهت ایجاد تغییر بنیادی در جامعه است. به‌زعم رئالیسم انتقادی پدیدارهای اجتماعی لایه‌لایه‌اند و هر لایه ریشه در لایهٔ پیشین دارد و شناخت آن صرفاً از طریق رابطهٔ علت و معلول خطی امکان‌پذیر

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

نیســت. رویکرد انتقادی نیز معتقد است واقعیت اجتماعی به وسیلهٔ تعارضاتی که به وسیلهٔ ساختارهایی زیربنایی پنهان می‌شود ایجاد می گردد. این‌دو رویکرد دربارهٔ ماهیت انسان به عنوان کنشگر وی را خلاق و دارای قابلیت‌های ناشناخته می‌دانند که نیاز به تحلیل و بررســی در بستر اجتماعی دارد (Neuman and Benz, 1998).

مدل گفتمان‌سازی سازمان‌ها

فراینــد ســازمانی کــردن یک گفتمــان از منظــر انتقــادی با کنش‌هــا و تغییــرات اجتماعی آغاز می‌شــود. کنش‌ها، زایندهٔ متون سازمانی می‌شــوند؛ اســنادی همچون اساس‌نامه‌ها و آیین‌نامه‌ها. متون سازمانی بر اساس قاعده‌های ایجاد حقانیت و معناپردازی شــکل می گیرند و در قالب اسنادی همچون اهداف، رسالت‌ها، افق و چارت سازمانی بازنمایی می‌شوند. بــر مبنای روابط بینامتنی، متون ســازمانی در ســاختار ژانر متــون وابســته و هم‌بســته، تولیدکنندگان متــون و ارتباط با متون و گفتمان‌های دیگر نشــانده می‌شــوند تا به مرحلهٔ تولید و توزیع برســند. در مرحلــهٔ تولید و توزیع گفتمانی، ارتباطات بینا‌گفتمانی سازمانی با حمایت‌ها و یا رقابت‌های دیگر گفتمان‌ها و هم‌بســتگی با گفتمان‌های مشــابه، نهاد یا ســازمان مورد نظر را شکل و ســاختار می‌بخشد. پس از شــکل گیری، سازمان‌ها با ممکن کردن و یا محدود کردن کنش‌هــا و فعالیت‌های کنشــگران این چرخــه را مجدداً بازآفرینی می کننــد (Phillips et al, 2004). نمودار مدل



نمودار ۳. نمودار مدل گفتمانی‌سازی سازمانی کنش‌ها
منبع: Phillips et al, 2004

گفتمان‌سازی سازمان‌ها بر مبنای متون سازمانی و فرآیندی که توصیف آن رفت در بالا آمده است (نمودار ۳).

گونه‌شناسی سطوح و مسائل تحلیل گفتمان سازمانی و نهادی

در چهار سطح میکرو، مزو، ماکــرو و مولتی یا چندگانه می‌توان مسائل رویکردهای مطالعاتــی تحلیــل گفتمان سازمانی را از هم تفکیک کرد. در مهم‌ترین این تفاوت‌ها رویکرد تاریخی فوکویی در مقایســه بــا رویکرد انتقادی (فرکلافی) نشانگر آن است که دغدغهٔ اولیهٔ تحلیل گفتمان فوکویی مطالعهٔ تشــکیلات گفتمانی اســت، در حالی که تحلیل گفتمان انتقادی در پی تحلیل نســبت متون سازمانی با کردارهای اجتماعی است. تفاوت‌های این رویکردها در نمودار ۴ قابل مشاهده و مقایسه است.

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

سطح تحلیل گفتمان	رویکرد روش شناختی غالب	دغدغه اولیه گفتمان	رویکرد سازمانی	منابع مرسوم داده ها	دغدغه اصلی سازمانی
میکرو	تحلیل مکالمه	تحلیل تعاملات واقعی بینافردی	تعامل به مثابه سامان دهی	مشاهده دقیق جلسات، مصاحبه ها و ارائه ها	تصمیم گیری و اتخاذ استراتژی در حد خرد
مزو	تحلیل روایت	تفسیر وضعیت سهامداران اصلی	سازمانها به مثابه حوزه های روایی	مصاحبه با مسئولین سازمانی با تحلیل متون گزینشی	هویت شغلی و معنا آفرینی سازمانی
ماکرو	تحلیل گفتمان فوکویی	مطالعه تشکیلات گفتمانی	نهادها به مثابه بدنه های حاکم و هدایتگر سوژه ها	پژوهش تاریخی از مجموعه متون و کردارهای سازمانی	دانش، سوژگی ها و کنترل
چند	CDA	مرتبط کردن متون سازمانی با کردارهای اجتماعی	رخدادهای سازمانی به مثابه برساخته های بافتی	تحلیل متون یا یک تعامل هدفمند به همراه بافتی	ایدئولوژی، قدرت و روابط قدرت

نمودار ۴. سطوح تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی/ منبع: Phillips et al, 2004

سازمان‌ها، فرهنگ، خلاقیت و هنر

در تحلیل سازمان‌ها و نهادهای هنری علاوه بر مسائلی که در عموم سازمان‌ها مورد توجه پژوهشگران و تحلیل گران قرار می گیرد و در بخش قبلی بدانها به صورت نظری و عملیاتی اشاره شد، مسئلهٔ خلاقیت و آفرینش هنری از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. به‌زعم فرکلاف از تحلیل آثار خلاق به تحلیل فرایندهای خلاقانه مرتبط با آثار هنری می‌توان دست یافت؛ که منظور از فرایندهای خلاقانه زنجیرهٔ کنش‌هایی است که در بافت خلاق شکل می گیرد. این زنجیرهٔ کنش‌ها فرایندهای گفتمانی هستند که ساختارمند و وسیع است. تحلیل سازمان‌های فرهنگی و هنری هم از آن رو که بر آثار خلاق و کنشگران خلاق متمرکز است و هم خروجی آن محصولات خلاقانه است زنجیره‌ای از تحلیل متون، رویدادها، آثار و فضاهای خلاق است.

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

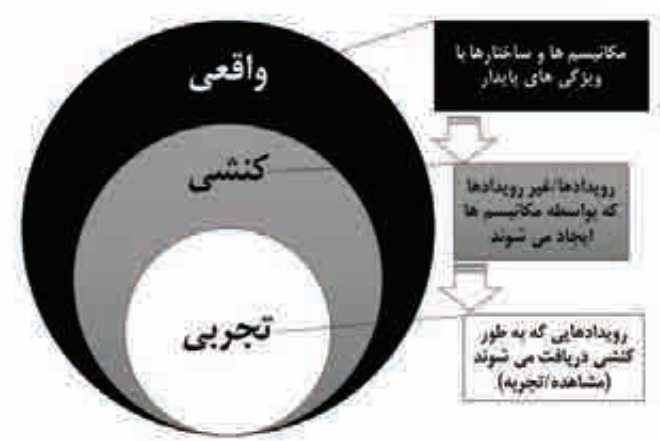
تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی از منظر فرکلاف

فرکلاف با نقد و بهره‌گیری از معرفت‌شناسی رئالیسم انتقادی روی باسکار[11] سطوح سه‌گانهٔ تحلیل خود را طراحی می‌کند. از منظر این معرفت‌شناسی فرایندها و رویدادها و همچنین ساختارها به مثابهٔ طبقات متفاوت از واقعیت اجتماعی با ویژگی‌های متفاوت هستند که تمایز بین امر واقعی، امر کنشی، و امر تجربی را در تحلیل از امر گفتمانی ایجاد می‌کنند (Fairclough, 2010: 355).

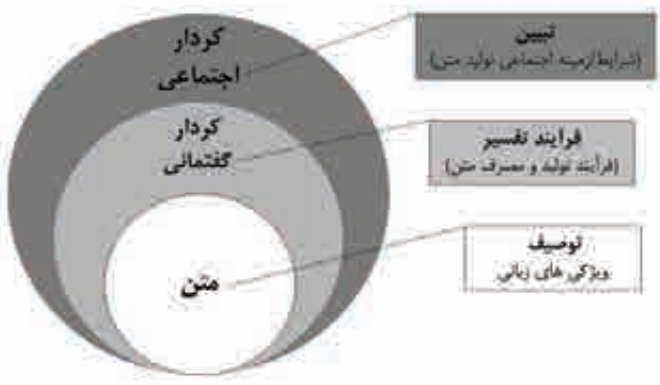
این مدل یا الگو در تحلیل گفتمان سازمانی فرکلاف نقش بنیادی دارد. تحلیل گفتمان سازمانی فرکلاف در سه ساحت ظهور، بازآرایی بافت و عملیاتی کردن گفتمان صورت می‌گیرد که متناظر با سه سطح متنی، کردار گفتمانی و کردار اجتماعی وی است. در ساحت ظهور شکل‌گیری کنش‌های ساختاری یک سازمان و فرایندهای ظهور سازمانی شدن یک ایدئولوژی رد، خوانش و تحلیل می‌شود. در این سطح متون و اسناد آرشیوی کلید ورود به خوانش انتقادی سازمان محسوب می‌شوند. در سطح بازآرایی بافت ارتباطات بیناگفتمانی سازمان مورد مداقه قرار می‌گیرد و سپس کردارهای اجتماعی سازمان در هژمونیک کردن گفتمان خود مسئلهٔ پژوهشگر است.

فرکلاف در تحلیل گفتمان سازمانی خود تأکیدش بر گذار از مطالعهٔ سازمان‌ها به عنوان یک ساختار صلب، به مطالعهٔ سازمان بخشیدن به‌مثابهٔ فرایند است. در این رویکرد به جای مطالعه و تحلیل مجموعهٔ متون برسازندهٔ

11. Roy Bhaskar



نمودار ۵) سطوح معرفت شناختی رئالیسم انتقادی روی باسکار



نمودار ۶) سطوح تحلیل انتقادی گفتمانی فرکلاف

[Downloaded from mail.pazhoueshnameh.ir on 2026-11-18]

کردارهای گفتمانی، تمرکز بر فرایندهای سازمانی شدن یک ایدئولوژی است. از این رو فرکلاف در تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی «کنش گفتمانی» را معادل «متن» در نگاه خردگرایانهٔ تحلیل گفتمان قرار می‌دهد و معتقد است کنش گفتمانی در لایه‌های پیچیدهٔ چندتایی بینامتن‌ها که برسازندهٔ معناهای گفتمانی هستند قابل ردیابی‌اند (Ibid).

تجزیه و تحلیل گفتمانی انتقادی سازمانی

برای فرکلاف تحلیل گفتمان انتقادی بر مبنای شاخص تغییر، به عنوان شرط لازم و هستی‌بخش شکل‌گیری و بقای یک سازمان معنادار است. تحلیل گفتمان انتقادی علاقهٔ ویژه‌ای به تغییرات رادیکالی که در زندگی معاصر رخ می‌دهد دارد. درواقع تحلیل گفتمان انتقادی در پی آن است تا «چگونگی تجسم یافتن و بروز یافتن نشانه‌ها در فرایندهای اجتماعی و تغییرات در روابط بین نشانه‌ها و عناصر دیگر در درون شبکه‌های کرداری و کنشگری» را تحلیل و بررسی کند (Ibid). فرکلاف معتقد است در سازمان‌ها این فرایندها در سطوح زیر قابل بررسی است:

- **شکل‌گیری:** فرایند ظهور و شکل‌گیری گفتمان‌های جدید، نظام‌مند شدن آنها به عنوان مفصل‌بندی جدید از عناصر موجود گفتمان‌ها (تحلیل بیناگفتمانی)
- **بازآفرینی بافت:** انتشار گفتمان‌های رو به تکوین هژمونیک فراتر از مرزهای ساختاری (بیناسازمانی) و بافتی (از سطح منطقه‌ای به ملی و از سطح ملی به بین‌المللی و برعکس)
- **عملیاتی کردن:** عملیاتی کردن چنین گفتمان‌هایی، تعاملاتشان، القائات این گفتمان‌ها به شیوه‌های جدید و در هویت‌های جدید با بهره‌گیری از سبک‌ها و ژانرهای خاص و هژمونیک شدن آنها (Ibid).



نمودار۷) مدل تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی فرکلاف (منبع: Fairclough, 2010)/ مدل سازی مولف

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

بینامتنیت/بیناگفتمانیت در تحلیل گفتمان سازمانی

نزد فرکلاف بینامتنیت با زایایی متـون و چگونگـی تحـول و تطـور متـون جدیـد از متون پیشـین هم‌بسته اسـت. در واقع بینامتنیت نزد فرکلاف به این مساله اشاره دارد که «چگونه متـون می‌توانند متون پیش از خـود را دگرگون کنند و به قراردادهای موجود (ژانرها و گفتمان‌ها) سـاختاری جدید بدهند تا قراردادهای جدیدی بسـازند. امـا این زایایی در عمل به صورت یک فضای بی‌انتها برای نوآوری و بازمتنی در دسـترس مردم نیسـت؛ بـه لحاظ اجتماعـی محدود و پایبند الزام‌هاسـت و مشـروط به روابط قدرت» (فرکلاف به نقل از میلز، ۱۳۸۸: ۱۹۵). میلز معتقد اسـت بینامتنیت در نزد فرکلاف «جنبه‌های سـاخت متنی اسـت که سبب‌ساز ایهام در درون یک متن می‌شـوند. اگر گـزاره‌ای از یک متن در گزارهٔ دیگر ادغام شـده باشد باعث نوعی گسست می‌شـود» (همـان). از این رو بـرای تحلیـل بینامتنیت در گفتمان سازمان‌ها شـاخص «ایهام» بسیار کلیدی است. از شاخصه‌های مهم دیگر تحلیل در این سطح «انسجام» است. انسجام به مصرف متون اشاره دارد. در واقع مسئلهٔ پژوهشگر در این سـطح از تحلیل متمرکز بر میزان ناهمگونی و مبهم بودن متـون مـورد تحلیل برای مفسـران اسـت. یکی از پرسـش‌هایی که در این حالت مطرح می‌شـود این است که آیا متون مورد بررسـی دارای خوانش‌های منتشرشـدهٔ مخالف هسـتند و اگر این‌گونه است چه خواننده و در چه سبک و ژانری؟ (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۴۱)

این سـطح از تحلیل پا را از گسترهٔ متن بیرون می‌گذارد و به سـوی متنهای دیگر می‌رود و از این رو امکان بررسـی مبادلات متن و جامعه را میسر می‌سازد (نامورمطلق، ۱۳۹۵: ۲۴۸). فـرکلاف خود اذعان می‌کند کـه «تحلیل بینامتنی پیشـنهادی من در مورد بخش‌هایی از متون چیزی نیسـت مگر اشـاره‌های به امکانی که در تحلیل فرایندهای تولید و تفسـیر گفتمان یافته‌ام تا بلکه بتوان پیوندهای واسـط میان متن و بافت را ایجاد کرد» (فرکلاف، ۱۳۹۰: ۱۶۱). بنابراین تحلیل بینامتنی فرکلاف سـعی بر آن دارد تا واسطی باشد بین سطوح توصیف و تفسیر، و تحلیل بر مبنای توزیع یک نمونهٔ گفتمانی با توصیف زنجیره‌های بینامتنی.

پرسـش‌های مورد طرح و بررسـی در تحلیل زنجیره‌های بینامتنی سازمان‌های مورد تحلیل عبارت‌اند از:

– چه گونه‌هایی از تغییرات را سازمان مورد بررسی از سر گذرانده است؟ (فازهای گفتمانی سازمان)

– زنجیره‌های بینامتنی در سازمان مورد بررسی ثابت بوده‌اند یا متغیر؟ آیا این زنجیره‌ها به چالش کشیده شده‌اند؟

– آیـا نشـانه‌هایی از اینکه تولیدکنندهٔ متـن بیش از یک مخاطب را مد نظر دارد موجود است؟

– چه شاخصه‌هایی مخاطب(های) مدنظر متن را مشخص و روشن می‌سازند؟ (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۴۰)

واسـط بین کردارهای گفتمانی و کردارهای اجتماعی در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف تحلیل بیناگفتمانی است. هدف در تحلیل بیناگفتمانی شناسایی و به کار گرفته شدن انواع گفتمان‌هایی است که در سازمانِ موردِ مطالعه نهادینه شده است. بیناگفتمانیت به بررسی شرایط کردار گفتمانی از جنبه‌هـای نهادی و اجتماعی می‌پردازد. مسـئلهٔ اولیه‌ای

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

که در این سطح بروز می‌کند پرسش از سبک مشخص برای توصیف متن سازمانی برمبنای ژانر است. بر این اساس چگونگی تولید، توزیع و مصرف مورد مطالعه دغدغهٔ اصلی تحلیل بیناگفتمانی فرکلافی است. جمعی یا فردی بودن فرایند تولید متن از مراحل قابل شناسایی و متمایز در تحلیل بیناگفتمانی است (همان: ۱۴۱).

ژانر و تحلیل گفتمان سازمانی

در فرایند تحلیل گفتمان سازمانی فرکلاف «ژانر» نقش کلیدی دارد. در زبان‌شناسی انتقادی ژانر به طورعام عبارت است از شیوه‌های کنشگری، در حالی که گفتمان‌ها شیوه‌های بازنمایی، و سبک‌ها شیوه‌های بودن هستند (Fairclough, 2010: 75). در تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف، ژانر «کاربرد خاصی از زبان است که بخشی از یک کردار اجتماعی مشخص را تشکیل می‌دهد و آن را می‌سازد» (یورگنسن و فیلیپس، ۱۳۸۹: ۱۲۰). به بیان دیگر ژانرها راه‌های مختلف کنشگری، تولید و همچنین مصرف نشانه‌های اجتماعی هستند. این نشانه‌های اجتماعی در مکالمه‌های روزمره، گردهمایی‌ها، مصاحبه‌ها، جشنواره‌ها و تعاملات بینانشانه‌ای قابل شناسایی و خوانش هستند (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۹۰). تحلیل ژانر در سطح یک گفتمان درواقع یک تحلیل بینامتنی است. فرکلاف خود معتقد است: «از آن‌جا که ژانرها عملاً مختلف هستند تحلیل واقع‌بینانه (در این سطح) تحلیلی است که تحلیل بینامتنی در دل خود دارد.» (فرکلاف، ۱۳۹۰: ۱۴۹). کارکرد مهم بررسی ژانرها گذار از تحلیل بینامتنی به تحلیل بیناگفتمانی در سطح کردار اجتماعی است. نامورمطلق بر این اساس معتقد است هر ژانر از یک «کانون دید» برخوردار است و توجه چندین کانون متفاوت به یک موضوع، مفسر را به واقعیت نزدیک می‌کند. (نامورمطلق، ۱۳۹۵: ۲۵۱). برای تحلیل ژانرهای سازمانی بر مبنای آموزه‌های فرکلاف سه سطح از داده‌ها باید مورد تحلیل قرار گیرند:

۱. کنشگری: آنچه کنشگران به شیوهٔ گفتمانی انجام می‌دهند در سطح توصیفی ارزیابی می‌شود. در این سطح تعامل ارتباطی و تعامل استراتژیک در سطح سازمانی با توجه به شاخص‌های بینامتنی مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۲. روابط اجتماعی: در سطح روابط اجتماعی مسئلهٔ مورد مداقه، قدرت سازمانی بر مبنای تحلیل سلسله مراتب است. مسئلهٔ همبستگی به معنای نزدیکی و دوری از سلسله مراتب قدرت از سطح متنی تا کردار اجتماعی سازمان‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳. فناوری ارتباطات (رسانه‌ها): در تحلیل سازمان‌ها میزان متون رسانه‌ای‌شده یا نشده، و همچنین یک‌سویگی یا دوسویگی آنها در تحلیل سطوح قبلی و گفتمان سازمان مورد مطالعه بسیار تعیین‌کننده است (Fairclough, 2010). لذا نشر یا عدم انتشار پیش‌متن‌ها، پیرامتن‌ها و بیش‌متن‌های رویدادهای گفتمانی که در پژوهش حاضر همانا سازمان‌ها و رویدادهای هنری همچون جشنواره‌ها و دوسالانه‌ها هستند بسیار حائز اهمیت است.

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

روش‌شناسی عملی تحلیل گفتمان سازمانی

روش یافته‌اندوزی و گردآوری داده‌ها

برای پیاده سازی روشمند مباحث فوق در تحلیل گفتمان سازمان‌ها، میر و باستو فصلی را به طراحی پژوهش‌های متمرکز بر تحلیل گفتمان نهادی و سازمانی در کتاب *زبان و قدرت: درآمدی بر گفتمان نهادی* (۲۰۰۸) اختصاص داده‌اند. در مرحلهٔ گردآوری داده‌ها نخستین مرحله جمع‌آوری داده‌های گفتاری است (Mayr, 2008: 167). در این مرحله مشخص کردن تعداد افرادی که تولید داده‌های گفتاری مرتبط با سازمان مرتبط داشته‌اند، گونهٔ داده (مصاحبهٔ شفاهی، تحلیل مصاحبه‌های مکتوب و غیره)، تکنیک‌های مصاحبه، و یا پرسش‌نامه می‌بایست مشخص گردد (Ibid).

مشاهدهٔ مبتنی بر حضور در تحلیل گفتمان وضعیت موجود سازمان‌ها و نهادها از دیگر تکنیک‌های گردآوری داده‌هاست. تفاوت این مرحله با بررسی روش‌های کیفی دیگر آن است که پژوهشگر مدتی را در نهاد یا سازمان مورد مطالعه، همزیستی پژوهشی می‌کند و به مشاهدهٔ همراه با حضور و مشارکت می‌پردازد (Ibid: 169).

بررسی سایت اینترنتی نهادها و سازمان‌های مرتبط، فرم‌های مرتبط، اسناد روشنگر سیاستهای نهاد/سازمان، گزارش‌های سالانه، فصلی و ماهیانهٔ مرتبط با موضوع پژوهش و هر آنچه به طور مکتوب مرتبط با گفتمان نهاد و سازمان مربوطه و موضوع پژوهش است می‌بایست در دستور کار پژوهشگر قرار گیرد. (Ibid: 173)

یافته‌اندوزی در تحلیل گفتمان سازمانی اساساً بر مبنای اسناد دست‌اول و معتبر منتشرشده در قالب رسانه‌های مختلفی همچون مکتوب، شفاهی، چندرسانه‌ای، تصویری و غیره صورت می‌پذیرد. با این حال به علت گستردگی وسیع داده‌های ثبت‌شده و ثبت‌نشده در بیشتر مواقع اغلب تحلیل‌گران گفتمان سازمانی، تمرکز مطالعاتی خود را بر مجموعهٔ کوچکی از داده‌ها به عنوان نمونهٔ برجسته‌ای از گفتمان خاص قرار می‌دهند (Meyer, 2015: 21).

فرکلاف دربارهٔ نوع داده‌ها و شیوهٔ گردآوری آنها معتقد است ماهیت داده‌ها براساس طرح‌نامهٔ پژوهش و پرسش‌های خاص آن متفاوت خواهد بود. وی اذعان می‌کند که «آرشیو» مهم‌ترین مخزن گردآوری و تحلیل داده‌های پژوهش‌های تحلیل گفتمانی است. از این رو تنها زمانی می‌توان تصمیمی مناسب دربارهٔ داده‌ها اتخاذ کرد که اطلاعات کافی از آرشیو داده‌ها داشته باشیم. بخشی از مسئله این است که باید دانست چه چیزهایی قابل دسترسی هستند و چگونه به آنها می‌توان دست یافت. از سوی دیگر نیز باید یک مدل ذهنی از نظام گفتمان نهاد یا سازمان مورد مطالعه و فرآیندهای تغییر در آنها وجود داشته باشد تا بتوان اقداماتی مقدماتی برای جمع‌آوری داده‌ها و نمونه‌ها انجام داد (Fairclough, 2001: 227-229).

آنچه در گردآوری داده‌ها با رویکرد گفتمانی فرکلاف مهم است آن است که این فرایند در حین تجزیه و تحلیل گسترش پیدا می‌کند (Ibid). عموماً در گردآوری داده‌ها با رویکرد و روش تحلیل گفتمان انتقادی روش‌هایی همچون بررسی اسناد و استفاده از متون موجود با تکیه بر

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

اسناد دســت‌اول (گفتاری و نوشتاری)، مصاحبه، مشاهده، گروه متمرکز و غیره مورد استفاده قرار می‌گیرند (قجری و نظری، ۱۳۹۲: ۱۲۸).

یکــی از مباحث مهم در گــردآوری داده‌هــا نمونه‌گیری اســت؛ و از آن رو کــه در تحلیل گفتمــان انتقادی منطق نمونه‌گیــری از منطــق کمــی و آماری متفاوت اســت، به صورت مختصر اشاره‌ای به فرایند نمونه‌گیری در پژوهش حاضر می‌شــود. منطق نمونه‌گیری در پژوهش‌های کیفی مبتنی بر نمونه‌گیری از موارد برجسته و افراد شاخص است؛ از ایــن رو نمونه‌ها تصادفی انتخاب نمی‌شــوند بلکه کاملاً هدفمند هســتند (همــان). بر این اســاس و از آن رو که در پژوهش حاضر نمونه‌گیری‌ها متمرکز بر جشنواره‌ها و اسناد آنهاســت، روش‌های شاخص و اصلی نمونه‌گیری از رستهٔ نمونه‌گیــری از «موارد تأییدکننــده و ردکننده» و همچنین «موارد شاخص» و «موارد حاشیه‌ای» است.

نمونهٔ فرایند گردآوری داده‌ها در تحلیل گفتمان سازمانی هنری

چنانچــه بخواهیــم در حــوزهٔ هنــر معاصــر ایران، بــا تمرکز بر ســازمان‌ها و جشــنواره‌ها و دوســالانه‌های هنــری مرتبــط با آنها یک پژوهش و تحلیل گفتمان انتقادی ســازمانی را طراحی کنیم فرایند زیر می‌تواند راهگشا باشد:

• در مرحلهٔ نخست به صورت مطالعهٔ منابع کتابخانه‌ای پیشینه و ادبیات تحقیق منابع موجــود در حوزه هنر معاصرایران با تمرکز بر جشنواره‌ها و دوســالانه‌های نقاشی گردآوری و تدوین می‌شود.

• در مرحلهٔ دوم با مراجعه به اســناد منتشرشــدهٔ آرشــیوی ســازمان‌های مورد مطالعــه (به عنوان مثال: وزارت ارشــاد [با تمرکز بر جشــنوارهٔ تجسمی فجر و دوسالانهٔ نقاشی]، و حوزهٔ هنری و...) خصوصاً اســنادی که به صورت مجازی در درگاههای اینترنتی ســازمانهای هدف منتشر شده‌اند، و همچنین اسناد عمومی و مکتوبی همچون کتب، نشریات، و مجلات، ســازمان‌های مورد مطالعه در هر دوره، برنامه‌های مهم و ملی آنها شناسایی می‌شود.

• در مرحلــهٔ ســوم فراخوان‌هــا، بیانیه‌ها و ســخنرانی‌های کنشــگران جریان‌ســاز رویدادهای مهم هنری رسمی، از طریق آرشــیو ســازمان‌ها، کتب منتشرشــده، روزنامه‌ها و مجله‌هــا و همچنین منابع اینترنتی گــردآوری و طبقه‌بندی می‌شود. در واقع این اسناد به مثابهٔ پیش‌متن‌های رویدادهای بزرگی همچون جشنواره‌ها و دوسالانه‌ها قلمداد می‌شوند.

• در مرحلــهٔ آخر متن‌های پیرامونــی با تمرکز بر تحلیل‌ها و انتقــادات مرتبــط با رویدادهــای هــر دوره از مجله‌ها و نشــریه‌های هنری، مجموعه مقالات هم‌اندیشــی‌ها و آثار انتقادی مکتوب منتشرشده در سایت‌ها و دیگر منابع مکتوب گردآوری و طبقه‌بندی می‌شوند.

روش تجزیه و تحلیل

تحلیل گفتمان انتقادی فرکلاف از ســه ســطح توصیف، تفسیر و تبییــن برخــوردار اســت. در هریــک از ایــن ســطوح، ما با تحلیــل ســروکار داریم، امــا ماهیت تحلیــل در هر مرحله متفاوت است:

[Downloaded from mail.pazhoueshnameh.ir on 2026-11-18]

- تحلیـل در مرحلـۀ اول (توصیـف) به برچسـب‌دهی ویژگی‌های صـوری متن اکتفا می‌کند و سـعی بر آن اسـت که گزاره‌ها و مواضع ایدئولوژیک متن تحلیل و آشـکار شوند. در این سـطح متن به‌مثابۀ یک شیء در نظر گرفته می‌شود.
- در مرحلۀ دوم (تفسـیر)، به تحلیل فرایندهای شـناختی شـرکت‌کنندگان و تعامل‌های میان آنهـا می‌پردازد و تعامل بین متن و بافت روشن می‌شود.
- مرحلـۀ سـوم (تبیین) نیـز ارتبـاط میـان رویدادهای اجتماعـی (تعامل‌ها) با سـاختارهای اجتماعـی را بیان می‌کند که بر این رویدادها تأثیر می‌گذارند و یا از آنها تأثیر می‌پذیرند. به بیان دیگر تأثیر دوسویۀ ساختارها بر گفتمان و گفتمان بر سـاختارها مسئلۀ اصلی تحلیل در این سطح است (Fairclough, 2001: 26).

نمونۀ فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها

بر اسـاس فرایندها و روش‌های توضیـح داده‌شـده، تجزیـه و تحلیل داده‌ها در سـه سطح زیر بر روی سازمان‌ها و رویدادهای هنر معاصر ایران پس از انقلاب می‌تواند صورت گیرد:

۱. در سطح متنی (توصیفی) تحلیل فرایندهای شکل‌گیری و ظهور سازمان‌های هنری جمهوری اسلامی (به عنوان مثال حوزۀ هنری، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرهنگستان هنـر و...) و متولیان و بازیگران اصلـی رویدادهای ملی و بین‌المللی نقاشـی (همچون جشنوارۀ هنر جوان و دوسالانۀ نقاشـی و همچنین جشنوارۀ تجسـمی فجر) مورد خوانش قرار می‌گیرند. بر این اسـاس اسـنادی همچون اساسنامه و آیین‌نامه‌هایی که به سـازمان موجودیت و هویت سازمانی بخشـیده‌اند بررسی می‌شوند و بستر و گسترۀ زمانی ظهور سازمان متولی و بالتبع آن جشنواره‌هایی که طراحی و اعلان شده‌اند مورد بررسی و تحلیل متنی قرار می‌گیرند.

۲) در سـطوح کردار گفتمانی و اجتماعی (تفسـیر و تبیین) کنش‌های گفتمانی در راسـتای بازآفرینـی بافت فرهنگی – هنری موجود با بررسـی سـاختار سـازمانی جشنواره‌ها و دوسـالانه‌ها و کنشـگران اصلی در این مرحله بر اسـاس اسـنادِ منتشرشده و در دسـترس مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرند. در واقع در این مرحله تحلیل‌ها بر اسـاس مقایسه و تطبیق جشنواره‌ها و دوسـالانه‌های پیش و پس از انقلاب می‌تواند باشـد. با توجه به اهمیـت تحلیل فرایندهای تولید، عرضه و مصرف متن در این سطوح تحلیل گفتمان انتقادی، فراخوان‌ها، فرایندهای انتخاب و نمایش آثار (همچون مکان برگزاری جشنواره/ دوسالانه) و تعامل‌های بین سازمانی و در نهایت آثار برگزیده و منتخب و همچنین جوایز تعلق‌گرفته به برگزیدگان با رویکرد انتقادی تحلیل و بررسی می‌شود.

۳) تحلیل فرآیندهای (پاد)هژمونیک در سطح سوم پژوهش صـورت می‌گیرد. درواقع این سـطح از تحلیل متمرکز بر نقدهای رقبا و تلاش برای شـکل دادن به فضای گفتمانی جدیـد و یا حمایت‌های تکمیلی – توسـعه‌ای کنشـگران همسو با ایدئولوژی مسلط بر گفتمان سازمانی است.

در مجموع نمودار ۸ به صورت شـماتیک سـطوح، فرایند و مسـائل مورد خوانش و تحلیل مقالـۀ حاضر را به تصویر کشیده است.

[Downloaded from mail.pazhoueshnameh.ir on 2026-11-18]



نمودار ۸. سطوح، فرایند و مسائل مورد خوانش و تحلیل (منبع: مؤلف)

نتیجه

سازمان‌ها و رویدادها مهم‌ترین عناصر دنیای هنر هستند و در تثبیت و هژمونیک‌سازی گفتمان‌های مسلط نقش کلیدی را برعهده دارند. خوانش و تحلیل کنش‌ها و برون‌دادهای سازمانی نیازمند روشی بینارشته‌ای است تا بر اساس آن بتوان فضاهای بینامتنی، بیناگفتمانی و ژانرهای موجود را استخراج کرد. فرکلاف در روش تحلیل گفتمان انتقادی سازمانی خود شاخص‌ها و فرایندهایی را پیشنهاد می‌کند که می‌تواند به صورت ابزاری قدرتمند در دست پژوهشگر قرار گیرد. در سطح نخست تحلیل سازمان‌های هنری و رویدادهای وابسته به آن‌ها ظهور نهاد و یا سازمان از لابه‌لای متون و اسناد سازمانی موجود خوانش و تحلیل می‌شود. سپس در سطح کردار گفتمانی و اجتماعی فرایندهای عملیاتی‌سازی تغییر مورد بررسی قرار می‌گیرند. جهت جامع بودن پژوهش بررسی رویدادها و کنش‌های انتقادی و پادهژمونیک در فاز آخر ضرروی است.

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]

منابع

سرایی، حسن، فتحی، سروش و زارع، زهرا (۱۳۸۷)، «روش کیفی در مطالعات اجتماعی با تأکید بر روش تحلیل گفتمان انتقادی»، *پژوهش‌نامهٔ علوم اجتماعی*، سال دوم، شمارهٔ ۳، دانشگاه آزاد اسلامی.

عضدانلو، حمید، (۱۳۸۰)، *گفتمان و جامعه*، تهران: نشر نی.

فرکلاف، نورمن (۱۳۹۰)، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمهٔ شایسته پیران، فاطمه، ویراستاران: محمد نبوی و مهران مهاجر، تهران: وزارت فرهنگ ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و پژوهش‌های رسانه‌ها.

قجری، حسینعلی و نظری، جواد (۱۳۹۲)، *کاربرد تحلیل گفتمان در تحقیقات اجتماعی*، تهران: جامعه‌شناسان.

مریدی، محمدرضا و تقی‌زادگان، معصومه (۱۳۹۱)، «گفتمانهای ملی هنر در ایران»، *فصلنامهٔ انجمن مطالعات فرهنگی و ارتباطات*، شمارهٔ ۲۹، تهران: انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات.

مکدانل، دانیال (۱۳۸۰)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، مترجم: نوذری حسینعلی، تهران: فرهنگ گفتمان.

میلز، سارا (۱۳۸۸)، *گفتمان*، ترجمهٔ محمدی، فتاح، زنجان: نشر هزارهٔ سوم.

نامورمطلق، بهمن (۱۳۹۵)، *بینامتنیت از ساختارگرایی تا پسامدرنیسم نظریه‌ها و کاربردها*، تهران: سخن.

وان دایک، تون آدریانوس (۱۳۸۲)، *مطالعاتی در تحلیلِ گفتمان (از دستورِ متن تا گفتمان‌کاویِ انتقادی)*، گروه مترجمان: ایزدی، پیروز و دیگران، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

یورگنسن، ماریان و فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹)، *نظریه و روش در تحلیل گفتمان*، به اهتمام هادی جلیلی، تهران: نشر نی.

.

Carpentier, Nico, Spinoy, Erik, (2008), *Discourse theory and cultural analysis: media, arts and literature*. Hampton Press.

Fairclough, Norman (1992), *Critical Language Awareness*, London, Longman.

_____ (1989), *Language and power*, London, Longman.

_____ (1995), *Media Discourse*, Hodder Arnold, London.

_____ (2010), *Critical Discourse Analysis: The Critical Study of Language*, Taylor and Francis, Longman, USA

_____ (2001), *Critical Discourse analysis as A Method in Social Scientific Research*, in Wodak, Ruth & Meyer, Michael (2001a), Methods of Critical Discourse Analysis, SAGE Publications, London, Thousand, New Delhi, First Published PP: 121- 139

Heracleous, Loizos (2006), *Discourse, Interpretation, Organization*, Cambridge University Press,

[Downloaded from mail.pazhoueshnameh.ir on 2026-11-18]

UK
Howarth, David (1998), *Discourse Theory and Political Analysis*, in: Elinor Scarbrough and Eric Tanenbaum (eds), (1998), Research Strategies in the Social Sciences, Oxford: Oxford University Press, 268–293.
Klein, Julie Thompson, and H. Newell. William,(1997), Advancing Interdisciplinary Studies, In book: Handbook of the Undergraduate Curriculum: Comprehensive Guide to Purposes, Structures, Practices, and Change, Edition:1st, Chapter: 19, Publisher: Jossey-Bass, Editors: Jerry Gaff and James Ratcliff.
Laclau, E. and Mouffe, C. (1985), *Hegemony and Socialist Strategy: Towards a Radical Discourse Politics*, Verso, London, UK
Mayr, Andrea (2008), *Language and Power; an Introduction to Institutional Discourse*, Continuum, UK
Meyer, M. (2001), *Between Theory, Method and Politics: Positioning of The Approaches to CDA*, In Ruth Wodak and Michael Meyer (ed.), Methods of Critical Discourse Analysis, London, Sage PP: 14 -31.
Meyer. M, Wodak, R. (2015), *Methods of Critical Discourse Analysis*, London, Sage.
Newman, I. & Benz, C. R .(1998) Qualitative-Quantitative Research Methodology: Exploring the interactive continuum, Cabondale: Southern Illinois University Press.
Phillips, Nelson, Lawrence, Thomas B., Hardy Cynthia (2004), *"Discourse and Institutions"*, The Academy of Management Review, 29:635
Wodak, Ruth & Meyer, Michael (2001a), *Methods of Critical Discourse Analysis*, SAGE Publications, London, Thousand, New Delhi, First Published
Wodak, Ruth (2001a), *What CDA is About- A Summary of Its History,* Important Concepts and Its Development, in_Wodak, Ruth & Meyer, Michael, Methods of Critical Discourse Analysis, SAGE Publications, London, Thousand, New Delhi, First Published PP:1-13
Wodak, Ruth (2001b), *The Discourse-Historical Approach*, in Wodak, Ruth & Meyer, Michael, Methods of Critical Discourse Analysis, SAGE Publications, London, Thousand, New Delhi, First Published, PP: 63- 94.

[Downloaded from mail.pazhouheshnameh.ir on 2026-11-18]